

چرا حضرت عباس (ع) باب الحوائج است؟

« و أبلی بلاء حسنا » عباس بن علی(ع)، مبتلا به آزمون سخت شد و ایثار و جانفشانی کرد و سر فراز بیرون آمد در بیان اینکه چرا او «باب الحوائج» الی الله است...



مرکز خبر حوزه نوشت: حجت الاسلام والمسلمین یحیی صادقی در گفت و گویی سرّ باب الحوائجی حضرت عباس(ع) را تشریح کرد. خلاصه این گفتگو به شرح زیر است. وی می گوید:

« و أبلی بلاء حسنا «؛ عباس بن علی(ع)، مبتلا به آزمون سخت شد و ایثار و جانفشانی کرد و سر فراز بیرون آمد در بیان اینکه چرا او «باب الحوائج«؛ الی الله است و هر گرفتار و دردمندی به او متوسل می‌شود و حاجت می‌گیرد، علل مختلفی ذکر کرده‌اند که چرا او باب‌الحوائج الی الله است آیا به خاطر این است که دست خود را از دست داد یا به خاطر این بود که فرقه‌ش شکاف برداشته است یا...

«از حسن روی یوسف دست بریده سهل است / در کوی دلبر ما سرها بریده بینی«

در روز عاشورا اصحاب ابا عبد الله واقعاً مردانه ایستادگی کردند، 72 نفر در برابر سی هزار نفر بودند و آنقدر رشادت کردند که این جنگ تا عصر عاشورا طول کشید.

نیزه‌ها بدن‌ها را پاره پاره کرد، اما روح که تسخیر پذیر نیست، آن کرامت‌های اخلاقی قابل تغییر و تحول نبود، ثابت قدم ماندند و به کوی جانان رفتند.

حضرت عباس گرفتار آزمون سخت شد و سربلند از آن بیرون آمد؛ آن حضرت القاب فراوانی دارد یکی از القاب او «عبد صالح« است؛ «السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ [9]؛ یکی از القاب او «سقا«ست؛ و از القاب او «صاحب اللواء« است او پرچمدار کربلاست.

لقب دیگر او باب الحوائج است، بزرگان وجوهی ذکر کرده‌اند که چرا او قبله حاجات ارباب حوائج است.

مرحوم آقای برقی می‌گفت: اینکه او به مقام باب‌الحوائجی رسیده است، به خاطر این نیست که چون دست یا پای او را قطع کردند و یا چشمش را تیر باران کردند، بلکه علت آن امر دیگری است امتحانی که او پس داد هیچیک از شهدای کربلا این امتحان را پس ندادند.

حضرت ابوالفضل(ع) تشنه بودند و وارد شریعه فرات شدند و موج‌های فرات را دیدند، انسان تشنه‌ایی که سه روز آب نخورده است و مشکش را پر از آب کرده است، کفی از آب فرات را برداشت و یاد تشنگی برادر نبود و این کف آب را به بالا آورد و هنوز تشنگی برادر را به خاطر ندارد، همین که آب را نزدیک لب‌ها آورد و مماس لب‌های تشنه او شد اینجا بود که «الحسین« یاد تشنگی برادر کرد و این رجز را خواند.

«یا نفسی مِنْ بَعْدِ الْحُسَيْنِ هُونِي وَبَعْدَهُ لَا كُنْتُ أَنْ تَكُونِي
هَذَا الْحُسَيْنِ وَارِدَ الْمَنُونِ وَتَشْرِبِينَ بَارِدَ الْمَعِينِ؟!
تَا اللَّهُ مَا هَذَا فَعَالٍ دِينِي«

خطاب به نفس خود گفت تو سیراب باشی و اطفال ابی عبد الله فریاد تشنگی‌شان به آسمان برسد.
بعد قسم یاد کرد که به خدا این رفتار دین نیست که من با لب سیراب از شریعه بیرون بروم، ولی اطفال حجت خدا تشنه باشند.
جناب سید حبیب الله چایچیان معروف به «حسان« در کتاب اشک‌ها بریزید اشعار نغری دارد.

کربلا کعبه عشق است و من اندر احرام
شد در این کعبه عشاق دو تا تقصیرم
دست من خورد به آبی که نصیب تو نشد

چشم من کرد از آن آب روان تصویرم
باید این دیده و این دست دهم قربانی
تا قبول افتد حج من و تقصیرم

با خود گفت، من این را هم بر خودم نمی‌بخشم، چرا دست زیر آب کردم و تا نزدیک لب‌ها آوردم؟ این بر مُحرم حرام است، چرا که من محرم هستم و کربلا محل احرام می‌باشد، یکی از محرمات احرام، نگاه به آیینه است گویا عباس بن علی خطاب به نفسش می‌گوید؛ ای عباس چرا بر آب نگاه کردی و خودت را دیدی! به جرم این محرمات احرام در کربلا، باید این چشم و دست خود را قربانی کنی، تا فدیة این دو عملت باشد.

مرحوم برقی می‌گفت: غیر از چشم بیدار خدا کسی عباس را نمی‌دید و اگر عباس از شریعه؛ آب می‌خورد کسی خبر نداشت، لکن برای رضای خدا، با نهایت خلوص آب را روی آب ریخت و با برادر مساوات کرد و در کوران حوادث قمر بنی‌هاشم آزمون‌های سختی داد و سربلند بیرون آمد و شهید از دنیا رفت.